

استفاده از کتابهای غیر استاندارد



# تبدیل دانش آموزان به ماشین حافظه‌دار

● سمانه آزاد

## اشاره

کوروش امیری نیا، معاون دورهٔ راهنمایی و هم‌چنین کارشناس مسئول گروه درسی جغرافیای «دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی» است. او که سابقهٔ داوری آثار رسیده به جشنوارهٔ کتابهای کمک آموزشی رشد را دارد، معتقد است: استفاده از کتابهای کمک آموزشی غیراستاندارد دانش‌آموزان را به ماشینهای حافظه‌دار تبدیل می‌کند و آنها را از فعالیتهای ذهنی بیشتر باز می‌دارد.

## برنامه‌های درسی به چه نوع منابع مکتوبی نیاز دارند؟

در فرایند برنامه‌ریزی درسی، نخستین گام دست یافتن به نتایج یک نیازسنجی علمی است که برنامهٔ درسی بر مبنای آن شکل می‌گیرد. بعد از آن، نظرات مشورتی نمایندهٔ معلمان همان دورهٔ تحصیلی، کارشناسان برنامه‌ریزی درسی و نیز کارشناسان موضوعی را می‌توان مورد مراجعه قرار داد. منابع مکتوب مورد نیاز دیگری که از آنها با عنوان «اسناد بالادستی» یاد می‌کنیم، عبارت‌اند از: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ سند چشم‌انداز ۲۰ ساله؛ ایران ۱۴۰۴؛ اسناد بین‌المللی امضا شده توسط نهادهای بین‌المللی نظیر بیانیهٔ جاکارتا؛ فلسفهٔ آموزش و پرورش؛ سند ملی آموزش و پرورش؛ برنامهٔ درسی ملی؛ بیانیه‌های فلسفهٔ هر علم.

هر کدام از این موارد را می‌توان در برنامه‌های درسی مورد استفاده قرار داد.

## در این زمینه چه کمبودهایی وجود دارند که ناشران می‌توانند به برطرف کردن آنها کمک کنند؟

در سیاست تولید بسته آموزشی، فقط کتاب درسی توسط نظام آموزشی تولید می‌شود. سایر اجزای آن، یعنی راهنمای معلم، کتاب کار دانش‌آموز، کتابهای مرجع معلمان، کاربرگهای فعالیتهای علمی، نرم‌افزارهای کمک آموزشی و دیگر اجزا، توسط ناشران تولید می‌شوند؛ مشروط بر آن‌که، مدیریت و نظارت آنها برعهده «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» باشد.

**در مورد استفاده دانش‌آموزان و یا حتی معلمان، از کتابهایی مانند حل المسائلها، چه نظری دارید؟**

متأسفانه  
حل المسائلها مانع  
فعالیتهای ذهنی و در نتیجه،  
خلاقیتهای دانش‌آموزان می‌شود  
و دانش‌آموزان به راحتی برای به  
دست آوردن پاسخها، از فعالیت  
ذهنی بالاتر باز می‌مانند

متأسفانه این گونه کتابها مانع فعالیتهای ذهنی و در نتیجه، خلاقیتهای دانش‌آموزان می‌شود و دانش‌آموزان به راحتی برای به دست آوردن پاسخها، از فعالیت ذهنی بالاتر باز می‌مانند. این کتابها حتی اصلاحاتی را هم که در محتوای کتابهای درسی صورت گرفته‌اند، به طور نسبی خنثا می‌کنند. در واقع این نوع کتابها، جواب همه سوالات، فکرکنندها و آزمایشها را در اختیار شاگردان می‌گذارند. بنابراین، دیگر نیازی به بحث، گفت‌وگو، فکر و یا آزمایش کردن نیست.

گروهی از این دست کتابها نیز فقط به توسعه توانایی دانش‌آموزان در پاسخ به سوالات، آن هم از نوع چهار گزینه‌ای، برای شرکت آنها در آزمونهای گوناگون می‌پردازند و عملاً نحوه پاسخ‌گویی را پیشرفت می‌دهند و نه یادگیری و شیوه یافتن پاسخ را.

اگر هدف، رشد و پرورش استعدادها و خلاقیت‌هاست، اگر نظام آموزشی در پی اصلاح کتب درسی و پژوهشی کردن محتوا و گسترش تفکر در میان دانش‌آموزان و یادگیری عمیق و بادوام آنهاست، و اگر برای اقدامات و تلاشهای مؤلفان کتابهای درسی در اصلاح کتابها، ارزش و اهمیت قائل هستیم و آنها را یک اصلاح واقعی و لازم می‌شماریم، لازم است هنگام صدور مجوز چاپ، به اهداف نظام آموزشی توجه خاص مبذول داریم. چارچوبهای خاصی تهیه کنیم و براساس آنها، فقط به کتابهایی مجوز بدهیم که تعمیق یادگیری و فعالیتهای ذهنی را در دانش‌آموزان افزایش می‌دهند.

نکته پایانی این‌که اگر کتابهای کمک آموزشی منطبق بر اهداف برنامه‌های درسی تولید شده باشند، سودمند هستند و می‌توانند بخشی از بار کتابهای درسی را بر دوش بکشند. در غیر این صورت، به شدت برای دانش‌آموزان مضرند؛ چرا که سطح فعالیتهای آنها را به شدت تنزل می‌دهند و آنها را به ماشین حافظه‌دار تبدیل می‌کنند.